

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فیش منبر

پیامبر اکرم از نگاه امام صادق علیهما السلام

↓ کانال فیش منبر و مرثیه درایتا ↓

<http://www.eitaa.com/fishemenbar>

<http://www.talabeyar.ir> = عرضه در سایت طلبه یار

در طول تاریخ بشریت، کم تر انسانی وجود دارد که مانند پیامبر اسلام تمام خصوصیات زندگی اش به طور واضح و روشن بیان و ثبت شده باشد.

خداوند متعال در قرآن کریم کتابی که خود حافظ اوست^(۱) و بدون هیچ تغییری تا قیامت باقی است با زیباترین عبارات و کامل ترین بیانات، آن حضرت را معرفی نموده و با عالی ترین صفات ستوده است.

خداوند متعال می فرماید: «انک لعلی خلق عظیم^(۲)؛» ای پیامبر!

تو بر اخلاقی عظیم استوار هستی.

نیز می فرماید: «محمد رسول الله و الذین معه اشدوا علی الکفار رحماء بینهم^(۳)» . محمد(ص) فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سر سخت و در میان خود مهربانند.

محققان، تاریخ نویسان و دانشمندان در ابعاد گوناگون زندگی حضرت محمد(ص) سخن گفته اند.

اما ائمه علیهم السلام با نگاهی ژرف و دقیق سیمای آن شخصیت بی نظیر و در یکتای عالم خلقت را به تماشا نشسته، به معرفی زندگی، مبارزات و آموزه های آن حضرت پرداختند.

در این نوشتار بر آنیم تا گوشه هایی از زندگی و شخصیت حضرت محمد(ص) را از نگاه امام صادق(ع) به تماشا بنشینیم.

تولد نور

امام صادق(ع) به نقل از سلمان فارسی فرمود: پیامبر اکرم(ص) فرمود: خداوند متعال مرا از درخشندگی نور خودش آفرید^(۴) نیز امام صادق(ع) فرمود: خداوند متعال خطاب به رسول اکرم(ص) فرمود: «ای محمد! قبل از این که آسمان ها، زمین، عرش و دریا را خلق کنم. نور تو و علی را آفریدم^(۵)...».

ثقه الاسلام کلینی(ره) می نویسد: امام صادق(ع) فرمود: «هنگام ولادت حضرت رسول اکرم(ص) فاطمه بنت اسد نزد آمنه (مادر گرامی پیامبر) بود. یکی از آن دو به دیگری گفت: آیا می بینی آنچه را من می بینم؟

دیگری گفت: چه می بینی؟ او گفت: این نور ساطع که ما بین مشرق و مغرب را فرا گرفته است! در همین حال، ابوطالب(ع) وارد شد و به آن ها گفت:

چرا در شگفتید؟ فاطمه بنت اسد ماجرا را به گفت. ابوطالب به او گفت: می خواهی بشارتی به تو بدهم؟ او گفت: آری. ابو طالب گفت:

از تو فرزندی به وجود خواهد آمد که وصی این نوزاد، خواهد بود (۶)

نام های پیامبر

کلبی، از نسب شناسان بزرگ عرب می گوید: امام صادق(ع) از من پرسید: در قرآن چند نام از نام های پیامبر خاتم(ص) ذکر شده است؟

گفتم: دو یا سه نام.

امام صادق(ع) فرمود: ده نام از نام های پیامبر اکرم در قرآن آمده است: محمد، احمد، عبدالله، طه، یس، نون، مزمل، مدثر، رسول و ذکر.

سپس آن حضرت برای هر اسمی آیه ای تلاوت فرمود. نیز فرمود:

«ذکر» یکی از نام های محمد(ص) است و ما (اهل بیت) «اهل ذکر» هستیم. کلبی! هر چه می خواهی از ما سؤال کن.

کلبی می گوید: (از ابهت صادق آل محمد(ع) به خدا سوگند! تمام قرآن را فراموش کردم و یک حرف به یادم نیامد تا سؤال کنم (۷).

برخی چهارصد نام و لقب پیامبر(ص) که در قرآن آمده است، را برشمرده اند (۸).

عظمت نام محمد(ص)

جلوه نام محمد(ص) برای امام صادق(ع) به گونه ای بود که هر گاه نام مبارک حضرت محمد(ص) به میان می آمد، عظمت و کمال رسول خدا(ص) چنان در وی تاثیر می گذاشت، که رنگ چهره اش گاهی سبز و گاهی زرد می شد، به طوری که آن حضرت در آن حال، برای دوستان نیز نا آشنا می نمود (۹).

امام صادق(ع) گاهی بعد از شنیدن نام پیامبر(ص) می فرمود: جانم به فدایش. ابهارون می گوید: روزی به حضور امام صادق(ع) شرفیاب شدم. آن حضرت فرمود: ابهارون! چند روزی است که تو را ندیده ام.

عرض کردم: خداوند متعال به من پسری عطا فرمود. آن حضرت فرمود:

خدا او را برای تو مبارک گرداند چه نامی برای او انتخاب کرده ای؟ گفتم: او را محمد نامیده ام.

امام صادق(ع) تا نام محمد را شنید (به احترام آن حضرت) صورت مبارکش را به طرف زمین خم کرد، نزدیک بود گونه های مبارکش به زمین بخورد.

آن حضرت زیر لب گفت: محمد، محمد، محمد، سپس فرمود: جان خودم، فرزندانم، پدرم و جمیع اهل زمین فدای رسول خدا(ص) باد! او رادشنام مده! کتک نزن! بدی به او نرسان! بدان! در روی زمین خانه ای نیست که در آن نام محمد وجود داشته باشد، مگر این که آن خانه در تمام ایام مبارک خواهد بود.

سیمای محمد(ص) (۱۰)

امام جعفر صادق(ع) فرمود: امام حسن(ع) از دائی اش، «هند بن ابی هاله (۱۱)» که در توصیف چهره پیامبر(ص) مهارت داشت، در خواست نمود تا سیمای دل آرای خاتم پیامبران(ص) را برای وی توصیف نماید. هند بن ابی هاله در پاسخ گفت: «رسول خدا(ص) در دیده هابا عظمت می نمود، در سینه ها مهابتش وجود داشت. قامتش رسا، مویش نه پیچیده و نه افتاده، رنگش سفید و روشن، پیشانی‌اش گشاده، ابروانش پرمو و کمانی و از هم گشاده، در وسط بینی برآمدگی داشت، ریشش انبوه، سیاهی چشمش شدید، گونه هایش نرم و کم گوشت. دندان هایش باریک و اندامش معتدل بود. آن حضرت هنگام راه رفتن با وقار حرکت می کرد. وقتی به چیزی توجه می کرد به طور عمیق به آن می نگریست، به مردم خیره نمی شد، به هر کس می رسید سلام می کرد، همواره هادی و راهنمای مردم بود.

برای از دست دادن امور دنیایی خشمگین نمی شد. برای خدا چنان غضب می نمود که کسی او را نمی شناخت. اکثر خندیدن آن حضرت تبسم بود، برترین مردم نزد وی کسی بود که، بیشتر مواسات و احسان و یاری مردم نماید (۱۲)»...

سعدی با الهام از روایات، در اشعار زیبایی آن حضرت را چنین توصیف نمود:

ماه فرو ماند از جمال محمد سرو نروید به اعتدال محمد قدر فلک را کمال ومنزلتی نیست در نظر قدر با کمال محمد وعده دیدار هر کسی به قیامت ليله اسری شب وصال محمد آدم و نوح و خلیل و موسی و عیسی آمده مجموع در ظلال محمد عرصه گیتی مجال همت او نیست روز قیامت نگر مجال محمد و آنهمه پیرایه بسته جنت فردوس بو که قبولش کند بلال محمد شمس و قمر در زمین حشر نتابد نور نتابد مگر جمال محمد همچو زمین خواهد آسمان که بیفتد تا بدهد بوسه بر نعال محمد شاید اگر آفتاب و ماه نتابد پیش دو ابروی چون هلال محمد چشم مرا تا بخواب دید جمالش خواب نمیگیرد از خیال محمد سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی عشق محمد بس است و آل محمد (۱۳)

اوصاف پیامبر در تورات و انجیل

خداوند متعال در وصف پیامبر(ص) فرمود: «الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون ابناءهم و ان فریقا منهم لیکتمون الحق و هم یعلمون» (۱۴)»

کسانی که کتاب آسمانی به آنان دادیم، او را همچون فرزندان خود می شناسند؛ (ولی) جمعی از آنان، حق را آگاهانه کتمان می کنند.

امام صادق(ع) فرمود: «يعرفونه كما يعرفون ابناءهم» زیرا خداوند متعال در تورات و انجیل و زبور، حضرت محمد(ص)، مبعث، مهاجرت، و اصحابش را چنین توصیف نمود: «محمد رسول الله و الذين معه اشداء على الكفار رحماء بينهم»...
محمد(ص) فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند. پیوسته آن ها را در حال رکوع و سجود می بینی، در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را طلبند. نشانه آن ها در صورتشان از اثر سجده نمایان است. این، توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است^(۱۵). ...

امام صادق(ع) فرمود: این، صفت رسول خدا(ص) و اصحابش در تورات و انجیل است. زمانی که خداوند پیامبر خاتم(ص) را به رسالت مبعوث نمود اهل کتاب (یهود و نصاری) او را شناختند اما نسبت به او کفر ورزیدند، همان گونه که خداوند متعال فرمود: «فلما جاءهم ما عرجوا كفروا به^(۱۶)» هنگامی که این پیامبر نزد آن ها آمد که (از قبل) او را شناخته بودند، به او کافر شدند^(۱۷).

خداوند متعال در قرآن کریم، در وصف پیامبر(ص) می فرماید: «و ما ارسلناك الا رحمة للعالمين^(۱۸)» ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم. قرآن نیز می فرماید: اشداء على الكفار رحماء بينهم»...

در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند. این دوچگونه با هم جمع می شوند؟

توجه به این آیه برای طرفداری اندیشه تسامح و تساهل ضروری است.

آیا ممکن است کامل ترین انسان، که با کامل ترین کتاب آسمانی برای هدایت تمام جهانیان مبعوث گردیده است در مقابل دشمنان دین هیچ عکس العملی جز مهربانی نداشته باشد؟!

برای اداره جامعه دینی و بقای آن باید در مقابل دشمنان دین ایستاد شدت عمل نسبت به کافران و مبارزه با آن ها برای از بین بردن موانع هدایت عین رحمت است.

برترین مخلوق

حسین بن عبدالله می گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: آیا رسول خدا(ص) سرور فرزندان آدم بود؟ آن حضرت فرمود: قسم به خدا، او سرور همه مخلوقات خداوند بود. خدا هیچ مخلوقی را بهتر از محمد(ص) نیافرید^(۱۹)

امام صادق(ع) در حدیث دیگری فرمود: چون رسول خدا(ص) را به معراج بردند جبرئیل تا مکانی با وی همراه بود و از آن به بعد او را همراهی نمی کرد. پیامبر(ص) فرمود: جبرئیل، در چنین حالی مرا تنها می گذاری؟! جبرئیل گفت: تو برو. سوگند به خدا در جایی قدم گذاشته ای که هیچ بشری قدم نگذاشته و بیش از تو بشری به آن جا راه نیافته

است^(۲۰)

معمر بن راشد می گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که فرمود: یک نفر یهودی خدمت رسول خدا(ص) رسید و به دقت او را نگریست.

پیامبر اکرم(ص) فرمود: ای یهودی! چه حاجتی داری؟ یهودی گفت:

آیا تو برتری یا موسی بن عمران؛ آن پیامبری که خدا با او تکلم کرد و تورات و انجیل را بر او نازل نمود، و به وسیله عصایش دریا را برای او شکافت و به وسیله ابر بر او سایه افکند؟

پیامبر(ص) فرمود: خوش آیند نیست که بنده خود ستایی کند و لکن(در جوابت) می گویم که حضرت آدم(ع) وقتی خواست از خطای خود توبه کند، گفت: «اللهم انی اسالک بحق محمد و آل محمد لما غفرت لی»، خدایا! به حق محمد و آل محمد از تو می خواهم که مرا عفو نمایی.

خداوند نیز توبه اش را پذیرفت. حضرت نوح(ع) وقتی از غرق شدن در دریا ترسید گفت «اللهم انی اسالک بحق محمد و آل محمد لما انجیتنی من الغرق»؛ خدایا به حق محمد و آل محمد از تو در خواست می کنم. مرا از غرق شدن نجات بدهی. خداوند نیز او را نجات داد.

حضرت ابراهیم(ع) در داخل آتش گفت: «اللهم انی اسالک بحق محمد و آل محمد لما انجیتنی منها»؛ خدایا! به حق محمد و آل محمد از تو می خواهم که مرا از آتش نجات دهی. خداوند نیز آتش را برای اوسرد و گوارا نمود.

حضرت موسی(ع) وقتی عصایش را به زمین انداخت و در خود احساس ترس نمود گفت: «اللهم انی اسالک بحق محمد و آل محمد لما امتنتی»؛ خدایا! به حق محمد و آل محمد از تو در خواست می نمایم که مرا ایمن گردانی. خداوند متعال به او فرمود: «لاتخف انک انت الاعلی»^(۲۱) «نترس. مسلما تو برتری.

ای یهودی، اگر موسی(ع) امروز حضور داشت و مرا درک می کرد و به من و نبوت من ایمان نمی آورد. ایمان و نبوتش هیچ نفعی به حال او نداشت.

ای یهودی! از ذریه من شخصی ظهور خواهد کرد به نام مهدی(ع) که زمان خروجش عیسی بن مریم برای یاری او فرود می آید و پشت سر او نماز می خواند^(۲۲).

سیاستمداری پیامبر(ص)

در عرف جهانی امروز «سیاست» را به معنای نیرنگ و دروغ برای کسب قدرت و سلطه بر مردم تعریف می کنند، اما «سیاست» در لغت، به معنای «اداره کردن امور مملکت و حکومت کردن است». خداوند متعال پیامبر خاتم(ص) جانشینان بر حق او، ائمه معصومین را از بهترین سیاستمداران شمرده است در زیارت جامعه، در وصف ائمه علیهم السلام که پرورش یافتگان مکتب نبوتند، آمده است: «وساسه العباد.»

فضیل بن یسار می گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که به بعضی از اصحاب قیس ماصر فرمود: خداوند عز و جل پیغمبرش را تربیت کرد و نیکو تربیت فرمود. چون تربیت او را تکمیل نمود، فرمود:

«انک لعلی خلق عظیم»؛ تو بر اخلاق عظیمی استواری. سپس امر دین و امت را به او واگذار نمود تا سیاست و اداره بندگانش را به عهده بگیرد، سپس فرمود: «ما اتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا»^(۲۳)، آنچه را رسول خدا برای شما آورد، بگیرید، (و اجرا کنید) و از آنچه نهی کرد، خود داری نمایید. رسول خدا(ص) استوار، موفق و موید به روح القدس بود و نسبت به سیاست و تدبیر خلق هیچ گونه لغزش و خطایی نداشت و به آداب خدا تربیت شده بود، ...
(۲۴)

زهد و وارستگی

حضرت محمد(ص) هرگز نسبت به دنیا و لذایذ زودگذر آن میلی نشان نداد و به آن، توجهی نکرد. آن حضرت برای هدایت مردم و رساندن آن ها به سعادت دنیا و آخرت وارد عرصه سیاست شد.

امام صادق(ع) می فرماید: روزی رسول خدا(ص) در حالی که محزون بود، از منزل خارج شد فرشته ای بر او نازل شد، در حالی که کلید گنج های زمین را به همراه داشت. فرشته گفت: ای محمد(ص)، این کلیدهای گنج های زمین است. پروردگارت می فرماید: این کلیدها را بگیر و در گنج های زمین را باز کن و آنچه می خواهی از آن استفاده نما. بدون این که نزد من ذره ای از آن ها کم شود.

پیامبر(ص) فرمود: دنیا خانه کسی است که خانه (واقعی) ندارد.

کسانی دور آن جمع می شوند که عقل ندارند.

فرشته گفت: به آن خدایی که تو را به حق مبعوث نمود! وقتی در آسمان چهارم کلیدها را تحویل می گرفتم، همین سخن را از فرشته دیگری شنیدم^(۲۵).

ابن سنان می گوید: امام صادق(ع) فرمود: مردی نزد پیامبر(ص) آمد، در حالی که آن حضرت روی حصیری نشسته بود که زبری آن بر بدن آن حضرت اثر گذاشته بود، و بر بالشی از لیف خرما تکیه نموده بود، که بر گونه های گلگونه اش نفوذ کرده بود. آن مرد در حالی که جاهای اثر کرده را مسح می نمود، گفت: کسری و قیصر (پادشاهان ایران و روم) هرگز چنین راضی نمی شوند و بر حریر و دیبامی خوابند و تو (که سرور مخلوقات خدایی) بر این حصیر!

پیامبر(ص) فرمود: به خدا من از آن ها برتر و گرمی تر هستم. من کجا و دنیا کجا! مثال زور گذر بودن دنیا، مثال شخصی است که بردرختی سایه دار عبور می کند، لحظه هایی از سایه درخت استفاده می کند و وقتی سایه تمام شد، از آن جا کوچ می کند و درخت را رهایی کند^(۲۶).

هیچ زمینه ای از زندگی پیامبر(ص) نیست، مگر این که امام صادق(ع) در آن زمینه سخنانی با ارزش دارد.

به عنوان حسن ختام، به ذکر خطبه ای از آن حضرت در توصیف پیامبر(ص) اکتفا می کنیم.

خطبه امام صادق(ع) در وصف حضرت محمد(ص)

برد باری، وقار و مهربانی خدا سبب شد تا گناهان بزرگ و کارهای زشت مردم مانع نشود که دوست ترین و شریف ترین پیغمبرانش، یعنی محمد بن عبدالله(ص) را برای مردم برگزیند.

محمد بن عبدالله(ص) در حریم عزت تولد یافت: در خاندان شرافت اقامت گزید، حسب و نسبش آلوده نگشت، صفاتش را دانشمندان بیان کردند و حکمیان در وصفش اندیشه نمودند، او پاکدامنی بی نظیر، هاشمی نسبی بی مانند و بی مانندی از اهل مکه بود.

حیا صفت او بود و سخاوت طبیعتش، بر متانت ها و اخلاق نبوت سرشته شده بود. اوصاف خویشتن داری های رسالت بر او مهر شده بود تا آن گاه که مقدرات و قضا و قدر الهی عمر او را به پایان رسانید و حکم حتمی پروردگار او را به سرانجامش منتهی ساخت. هر امتی، امت پس از خود را به آمدنش مژده داد. نسل به نسل از حضرت آدم تا پدر بزرگوارش، عبدالله، هر پدری او را به پدر دیگر تحویل داداصل و نسبش به ناپاکی آمیخته نشد و ولادت او با ازدواج نامشروع پلید نگشت. ولادتش در بهترین طایفه، گرامی ترین نواده (بنی هاشم)، شریف ترین قبیله (فاطمه مخزومیه) و محفوظترین شکم باردار (آمنه دختر وهب) و امانت دارترین دامن بود.

خدا او را برگزید، پسندید و انتخاب کرد سپس کلیدهای دانش و سرچشمه های حکمت را به او داد. او را مبعوث نمود تا رحمت بر بندگان و بهار جهانیان باشد.

خداوند کتابی را بر او نازل کرد، که بیان و توضیح هر چیزی در آن است و آن را به لغت عربی، بدون هیچ انحرافی قرار داد، به امید این که مردم پرهیزکار شوند. آن را برای مردم بیان کرد و معارف آن را روشن ساخت و با آن، دینش را آشکار ساخت و واجباتی را لازم شمرد و حدودی را برای مردم وضع نمود و بیان کرد. آن هارا برای مردم آشکار نمود و آن ها را آگاه ساخت. آن حضرت در آن امور، راهنمایی به سوی نجات و نشانه های هدایت به سوی خدای باشد.

رسول خدا(ص) رسالتش را تبلیغ کرد، ماموریتش را آشکار ساخت، بارهای سنگین نبوت را که به عهده گرفته بود، به منزل رسانید و به خاطر پرورگارش صبر کرد و در راهش جهاد نمود.

با برنامه ها و انگیزه هایی که برای مردم پی ریزی نمود و مناره هایی که نشانه های آن را بر افراشت، برای امتش خیر خواهی کرد، و آن ها را به سوی نجات و رستگاری فرا خواند و به یاد خدا تشویق و به راه هدایت دلالت کرد، تا مردم پس از او گمراه نشوند. آن حضرت نسبت به مردم دلسوز و مهربان بود.

پی نوشت ها:

۲- قلم، آیه ۴.

۳- فتح، آیه ۲۹.

۴- مصباح الشریعه، ترجمه زین العابدین کاظمی، ص ۱۲۶. «خلقنی الله من صفوه نوره»...

۵- جلاء العیون. ص ۱۱.

۶- همان، ص ۳۶.

۷- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۰۱.

۸- مناقب، ج ۱، ص ۱۵۰.

۹- سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۳۳.

۱۰- بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۳۰.

۱۱- هند بن ابی هاله، فرزند حضرت خدیجه (س) از شوهر قبلی اش بود که در خانه پیامبر اسلام رشد و نمو نمود.

۱۲- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۴۷۱۴۸.

۱۳- کلیات سعدی، فصل طبیات، ص ۵۳۳ ۵۳۲.

۱۴- بقره، آیه ۱۴۶.

۱۵- فتح، آیه ۲۹.

۱۶- بقره، آیه ۸۹.

۱۷- تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۳۸ و ج ۵، ص ۷۷.

۱۸- انبیاء، آیه ۱۰۷.

۱۹- اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، ج ۲، ص ۳۲۵.

۲۰- همان، ص ۳۲۱.

۲۱- طه، آیه ۶۸.

۲۲- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۳۶۶. به نقل از جامع الاخبار، ص ۹۸.

۲۳- حشر، آیه ۷.

۲۴- اصول کافی، ج ۲ ص ۵ و ۶.

۲۵- بحار الانوار، ج ۱۶ ص ۲۶۶.

۲۶- بحار الانوار، ج ۱۶ ص ۲۸۲ و ۲۸۳.

۲۷- اصول کافی ج ۲ ۳۳۲ و ۳۳۳.